

بررسی میزان رضایت دانشجویان از دروس عمومی معارف اسلامی در شهر کرمان

محمد جواد لیاقت‌دار^{*}، جعفر شانظری^{**} و معصومه مسلمی^{***}
^{*} استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان
^{**} استادیار گروه الهیات دانشگاه اصفهان
^{***} کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان

چکیده

با توجه به جایگاه حساس و بحث‌انگیز دروس عمومی معارف اسلامی پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان رضایت دانشجویان از محتوا و گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی انجام گردید. به علاوه در مورد ضرورت و یا عدم ضرورت وجود دروس عمومی معارف اسلامی نیز بررسی به عمل آمد.

تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته شامل 63 سوال بسته پاسخ بوده است. پایایی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ 0/85 برآورد گردید. جامعه آماری، کلیه دانشجویان دانشگاه‌های شهرستان کرمان (باهر، پیام نور و آزاد

اسلامی) بوده است. نمونه آماری تحقیق شامل 250 نفر دانشجو بوده که با استفاده از روش نمونه گیری طبقه‌ای انتخاب گردید.

نتایج حاصل از پژوهش مشخص نمود که میزان رضایت دانشجویان از محتوای آموزشی کتابها کمتر از سطح متوسط بوده است. در ضمن، نتایج پژوهش نشان داد که دانشجویان نسبت به گذراندن دروس و ضرورت وجود دروس عمومی معارف اسلامی بیشتر از سطح متوسط رضایت داشته‌اند. در پایان پیشنهادهای در جهت بهبود محتوای کیفی دروس و کیفیت ارزیابی دروس عمومی معارف اسلامی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: رضایت، کتب درسی، محتوای آموزشی، برنامه درسی، دروس عمومی معارف اسلامی، روش تدریس.

مقدمه

یکی از مسایل مهمی که همواره افکار فلاسفه تعلیم و تربیت، کارشناسان تعلیم و تربیت و دست اندرکاران نظام‌های آموزشی را به خود مشغول داشته محتوا و متون آموزشی می‌باشد. در این راستا کتب درسی به علت اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و خط مشی آموزشی دارند کانون توجه می‌باشند به خصوص در نظام آموزشی متمرکز کشورمان توجه به محتوای دروس بیش از سایر نظام‌های آموزشی لازم می‌باشد (قورچیان، 1372). به نظر می‌رسد، محتوای آموزش تنها به صورت حقایق نظری و بدون توجه به آثار آن در زندگی بشر، کارساز نخواهد بود (افوسی، 1381). به گونه‌ای که از نظر مصباح و همکاران (1370) محتوای دروس عمومی معارف اسلامی باید با پرسش‌ها و چالش‌های جدی عصر حاضر در زمینه الهیات و دین خود را درگیر نماید و در حل مسایل امروزی تحولی به وجود آورد. بنا به گفته شرفی (1381) از آنجا که کتب درسی در دروس عمومی معارف اسلامی نیز محور فعالیت استاد و دانشجو است، لذا این کتابها باید بر اساس مفاهیم جدید تالیف و تدوین گردد.

در این راستا موسی پیری (1374) در تحقیق خود آورده است که محتوای کتب تعلیمات دینی در حد متوسط و بالاتر از متوسط با توانایی ذهنی دانش آموزان و اهداف درس متناسب بوده

است. امینی (1373) نیز ضمن مطالعات خود به این نتیجه دست یافت که 65/36% از دانش آموزان معتقدند که مطالب مندرج در کتاب بینش اسلامی پیرامون نوجوانان و مباحث مربوط به آنان ناکافی است. ملکی (1379) معتقد است که برای انتخاب محتوا باید معیارهای مطرح شده و استاندارد از سوی صاحب نظران برنامه ریزی درسی را مدنظر داشت.

همچنین در مورد سازماندهی محتوا که نقطه ارتباط برنامه درسی و طرح آموزشی است لازم است تصمیم گیری صحیح و اصولی داشته باشیم. با توجه به اینکه دروس عمومی معارف اسلامی از لحاظ منطقی دانش گرا است و به خود دانش توجه دارد باید بر اساس ترتیب منطقی چیده شود (باقری، 1380). عاشوری (1380) نیز ضمن تاکید بر اهمیت محتوای آموزشی بیان داشته است که با حجم زیاد مطالب درسی در دروس عمومی معارف اسلامی از یکسو و کمبود وقت از سوی دیگر لازم است تا انتخاب محتوا، بر اساس اصول علمی انجام گیرد. دانشجویان در این دروس نیازمند تعمق، تفکر و بحث می باشند تا سطح دانش دینی آنها پایدار و عمیق گردد. به علاوه متون آموزشی باید بر اساس نیازهای واقعی فراگیران و منطبق بر روشهای علمی تهیه و تنظیم و در اختیار دانشجویان قرار داده شود (رفیعی، 1382).

در این زمینه دانشگر (1381) در تحقیق خود آورده است که چنانچه محتوای دروس از ویژگیهایی همچون تناسب با علاقه دانشجو، پاسخگو بودن به نیازهای روزمره دینی و مذهبی جوانان و در نظر داشتن شرایط اجتماعی و فرهنگی برخوردار باشد می تواند نقش بسیار مهمی در تقویت باورها و تجارب دینی و احترام به دستورات علمی و رفتار دینی و مذهبی دانشجویان داشته باشد. در این راستا برای تبیین معارف و محتوای اسلامی آن نیاز به یک نگاه جدید داریم و تا زمانی که این بازنگری صورت نگیرد قادر به انجام رسالتی که بر عهده داریم نخواهیم بود (بلخاری، 1380).

ایزدی (1381) معتقد است که به هر حال، توجه به دو مورد در خصوص کتب درسی لازم است: اول تناسب محتوا و قابلیت انتقال پذیری آن با فکر و توان ذهنی دانشجو به گونه ای که فراگیر قادر به انتقال به موارد مشابه گردد و دانشجو با تفکر در مقایسه با مسایل زندگی و جهان آینده، بتواند از دانش و یافته های خودش آگاهانه استفاده نماید. بنابراین اگر بین آنچه که فعالیت و

تجارب یادگیری می‌نامیم با نیازها و علایق و توانایی‌های ذهنی یادگیرنده تناسب و هماهنگی نباشد، یادگیری انجام نمی‌گیرد (ملکی، 1370).

هر قدر این نوع هماهنگی بیشتر باشد به همان اندازه رغبت و انگیزه فراگیر برای درک محتوا، بیشتر خواهد شد و امکان فعالیت یادگیری بهتری برای یادگیرنده فراهم خواهد آمد همچنین آموزش دینی باید براساس مبانی روانشناختی رشد و تکامل فرد صورت پذیرد. به علاوه محتوای آموزشی باید در ابتدا با یک مطلب کاملاً ساده شروع و به تدریج به موارد پیچیده‌تر متصل گردد.

از این رو بعد از انتخاب محتوا، باید در مورد سازماندهی محتوا و ساختار آن تصمیم مناسب گرفته شود. از آنجا که یادگیری امری دشوار و مستلزم صرف وقت بسیار است و دانشجو نیز هر مطلب را بر اساس مطلب یادگرفته شده قبلی می‌آموزد، نه تنها باید بین مواد درسی در دانشگاه رابطه برقرار شود، بلکه باید بین مطالب دوره آموزش عالی با دوره‌های قبل از آن نیز ارتباط وجود داشته باشد. در این صورت، از یکطرف، از مطالب تکراری جلوگیری می‌شود و از طرف دیگر، ارتباط و پیوند بین مفاهیم نیز حفظ می‌شود (ملکی، 1379). البته تحقیق سلمان پور (1378) پیرامون پیوستگی و ناپیوستگی درونی معارف اسلامی 1 و 2 در دانشگاه با دروس دینی در سطوح متوسطه و راهنمایی حاکی از آن است که پیوستگی لازم و منطقی بین دروس مذکور وجود ندارد و موارد زیادی از مطالب در یک سطح علمی تکرار گردیده است و باید تجدید نظر لازم صورت گیرد.

هدف‌های پژوهش

- بررسی میزان رضایت دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی.
- بررسی میزان رضایت دانشجویان نسبت به گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی.
- بررسی میزان رضایت دانشجویان نسبت به ضرورت وجود دروس معارف اسلامی.
- بررسی میزان تفاوت نظرات دانشجویان پیرامون هر کدام از سه مولفه فوق با توجه به خصوصیات دموگرافیک (جنسیت، نوع دانشگاه، و رشته تحصیلی).

سوالات پژوهش

به چه میزان دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی رضایت دارند؟
 به چه میزان دانشجویان از گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی رضایت دارند؟
 به چه میزان دانشجویان وجود دروس عمومی معارف اسلامی را ضروری می‌دانند؟
 به چه میزان نظرات دانشجویان پیرامون هر کدام از سه مولفه فوق با توجه به خصوصیات دموگرافیک (جنسیت، نوع دانشگاه، و رشته تحصیلی) تفاوت دارد؟

روش

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه‌های شهرستان کرمان اعم از پیام نور، باهنر و آزاد اسلامی در سال تحصیلی 83-1382 بوده است. ابتدا یک گروه 30 نفری از جامعه آماری بصورت تصادفی انتخاب گردیده و پرسشنامه بین آنها توزیع شد. پس از استخراج داده‌های مربوط به پاسخهای گروه نمونه مذکور، حجم نمونه با استفاده از فرمول‌های آماری به تعداد 250 نفر تعیین گردید. برای انتخاب نمونه موردنظر از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده گردید. ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته شامل 63 سوال بسته پاسخ بوده است که براساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم گردیده و برای برآورد اعتبار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که روایی پرسشنامه 85% برآورد گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. در سطح آمار توصیفی با استفاده از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد و در سطح آمار استنباطی از آزمون t تک متغیره، t مستقل و تحلیل واریانس و آزمون توکی و آزمون t_2 هتلینک استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در ابتدا شایسته است توصیف اجمالی از توزیع نمونه آماری بر حسب جنسیت، نوع دانشگاه و رشته تحصیلی ارائه گردد.

جدول شماره (1): توزیع نمونه آماری بر حسب جنسیت، رشته تحصیلی و نوع دانشگاه

جمع	دانشگاه			رشته			جنسیت		
	آزاد	پیام نور	دولتی	فنی	انسانی	پایه	زن	مرد	
244	103	23	118	80	80	84	124	120	فراوانی
%100	42/2	9/4	48/4	32/8	32/8	34/4	50/8	49/2	درصد

سوال اول: به چه میزان دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی رضایت

دارند؟

براساس یافته های پژوهش بیشترین درصد رضایت دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی در سطح زیاد و بسیار زیاد مربوط به گویه «انطباق محتوا با اسناد و کتب معتبر اسلامی» با 44/2 درصد و گویه «نگارش صحیح مطالب از نظر اصول ادبی و دستوری» با 30 درصد و گویه «مفید و مؤثر بودن محتوا در زندگی روزمره» با 27/9 درصد می باشد. کمترین درصد رضایت دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی مربوط به گویه «صراحت و وضوح مطالب به نحوی که براحتی قابل فهم باشد» با 11/8 درصد بوده است. متوسط نمره پاسخها بین 3/23 تا 2/43 در نوسان بوده است.

جدول شماره (2): مقایسه میانگین نمرات دانشجویان پیرامون محتوای دروس عمومی معارف اسلامی

سوال اول پژوهش	\bar{X}	S	Se	t
محتوای دروس	2/68	0/771	0/49	-6/34

با توجه به این که t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای $p \leq 0/05$ کوچکتر می باشد، بنابراین میزان رضایت دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی کمتر از سطح متوسط بوده است.

سوال دوم: به چه میزان دانشجویان از گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی رضایت

دارند؟

براساس یافته‌های پژوهش بیشترین درصد رضایت دانشجویان نسبت به گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی در سطح زیاد و بسیار زیاد مربوط به درس «اخلاق و تربیت اسلامی» با 43/8 درصد و درس «تاریخ اسلام» با 41/1 درصد و درس «معارف اسلامی 1» با 35/1 درصد می‌باشد. کمترین درصد رضایت دانشجویان از دروس عمومی معارف اسلامی مربوط به درس «معارف اسلامی 2» با 26/9 درصد بوده است. متوسط نمره پاسخ‌ها بین 3/13 و 2/59 در نوسان بوده است.

جدول (3): مقایسه میانگین نمرات دانشجویان پیرامون گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی با نمره

ملاک

سؤال دوم پژوهش	\bar{X}	S	Se	t
گذراندن دروس	3/17	1/4	0/92	1/93

با توجه به اینکه t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای $p \leq 0/05$ بزرگتر می‌باشد، بنابراین، میزان رضایت دانشجویان از گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی بیشتر از سطح متوسط بوده است.

سوال سوم: به چه میزان دانشجویان وجود دروس عمومی معارف اسلامی را ضروری

می‌دانند؟

براساس یافته‌های پژوهش بیشترین درصد پاسخ‌های دانشجویان در سطح زیاد و بسیار زیاد پیرامون ضرورت وجود دروس معارف اسلامی مربوط به درس «اخلاق و تربیت اسلامی» با 45 درصد و درس «تاریخ اسلام» با 44/7 درصد و درس «معارف اسلامی 1» با 41/6 درصد می‌باشد و کمترین درصد ضرورت از نظر دانشجویان مربوط به درس «متون اسلامی» با 32/1 درصد می‌باشد. متوسط نمره پاسخ‌ها بین 3/28 و 2/62 در نوسان بوده است.

جدول شماره (4): مقایسه میانگین نمرات دانشجویان پیرامون ضرورت وجود دروس عمومی معارف اسلامی

سؤال سوم پژوهش	\bar{X}	S	Se	t
ضرورت دروس	3/29	1/38	0/89	3/28

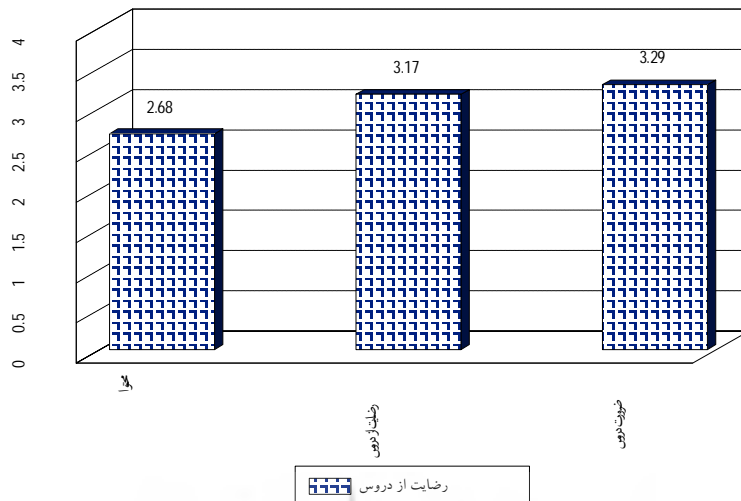
با توجه به این که t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای $p \leq 0/05$ بزرگتر می باشد، بنابراین میزان رضایت دانشجویان نسبت به ضرورت وجود دروس عمومی معارف اسلامی بیشتر از سطح متوسط بوده است.

جدول شماره (5): مقایسه میانگین نمره رضایت از دروس معارف اسلامی

سؤالات تحقیق	\bar{X}	S
به چه میزان دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی رضایت دارند؟	2/68	0/771
به چه میزان دانشجویان از گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی رضایت دارند؟	3/17	1/4
به چه میزان دانشجویان دروس عمومی معارف اسلامی را ضروری می دانند؟	3/28	1/38

با توجه به اینکه f مشاهده شده در سطح $p \leq 0/01$ معنادار بوده است، بنابراین میزان رضایت دانشجویان یکسان نبوده است. بیشترین رضایت مربوط به ضرورت وجود دروس و کمترین رضایت از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی بوده است.

نمودار شماره (1): مقایسه میانگین نمره رضایت از دروس عمومی معارف اسلامی

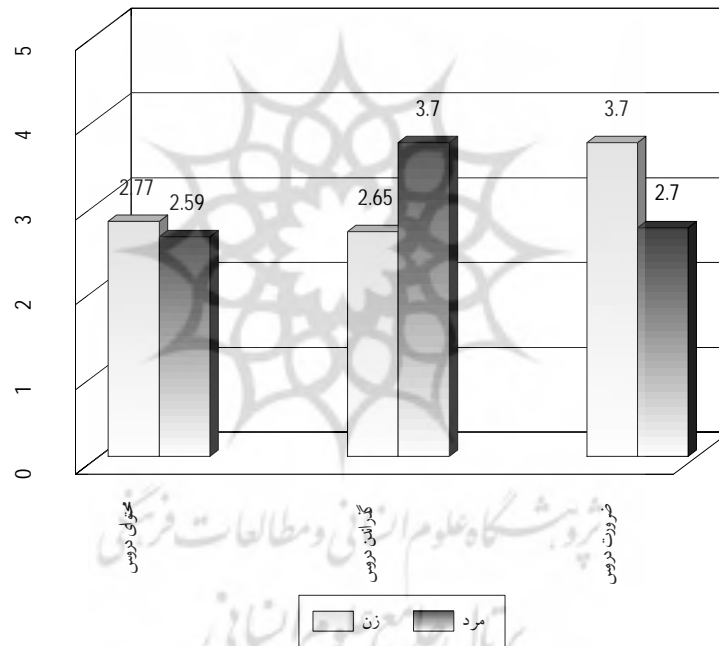


سؤال چهارم: به چه میزان نظرات دانشجویان پیرامون هر کدام از سه مؤلفه فوق با توجه به خصوصیات دموگرافیک (جنسیت، نوع دانشگاه و رشته تحصیلی) تفاوت دارد؟
 جدول شماره (6): مقایسه نظرات دانشجویان دختر و پسر در خصوص محتوا، گذراندن دروس و ضرورت وجود دروس عمومی معارف اسلامی

t	p	مرد		زن		مؤلفه‌های تحقیق
		S	\bar{X}	S	\bar{X}	
0/065	1/85	0/838	2/59	0/686	2/77	به چه میزان دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی رضایت دارند؟
0/00	6/3	1/08	3/7	1/47	2/65	به چه میزان دانشجویان از گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی رضایت دارند؟
0/00	5/4	1/4	2/7	1/12	3/7	به چه میزان دانشجویان دروس عمومی معارف اسلامی را ضروری میدانند؟

بر اساس یافته‌های جدول فوق t مشاهده شده در خصوص رضایت از گذراندن دروس و ضرورت وجود دروس در سطح $p \leq 0/01$ معنی دار بوده است. بدین معنا که میزان رضایت دانشجویان پسر از گذراندن دروس بیشتر از دانشجویان دختر بوده است در حالی که در خصوص ضرورت وجود دروس میزان رضایت دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر بوده است. به علاوه، t مشاهده شده در خصوص رضایت از محتوای دروس در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده، بنابراین بین نظرات دانشجویان دختر و پسر در این مورد تفاوتی وجود ندارد.

نمودار شماره (2): مقایسه نظرات دانشجویان دختر و پسر در خصوص محتوا، رضایت از گذراندن دروس، و ضرورت وجود دروس عمومی معارف اسلامی



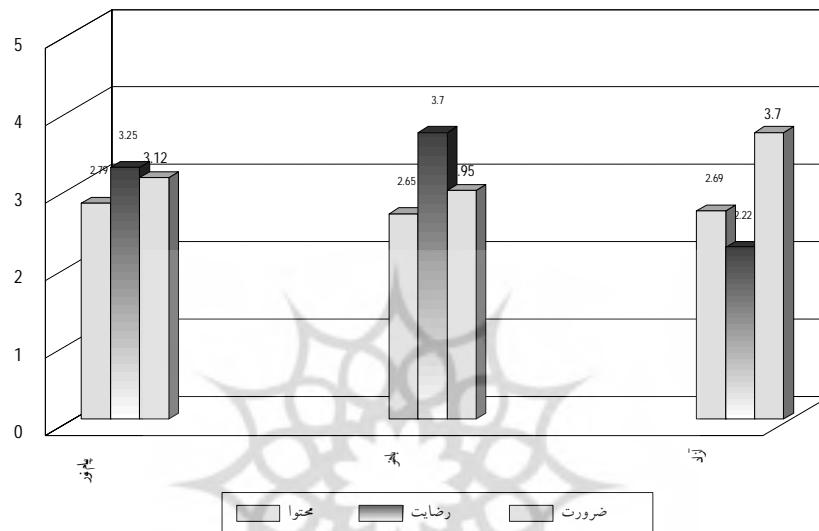
جدول شماره (7): مقایسه میانگین نمرات دانشجویان در رابطه با محتوا، گذراندن دروس و ضرورت وجود دروس عمومی معارف اسلامی با توجه به نوع دانشگاه

P	F	آزاد		باهنر		پیام نور		مولفه های تحقیق سوالات اساسی
		S	\bar{X}	S	\bar{X}	S	\bar{X}	
0/731	0/313	0/698	2/69	0/853	2/65	0/647	2/79	به چه میزان دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی رضایت دارند؟
0/000	2/68	1/70	2/22	0/911	3/7	1/30	3/25	به چه میزان دانشجویان از گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی رضایت دارند؟
0/003	5/91	1/15	3/7	1/25	2/95	1/72	3/12	به چه میزان دانشجویان از دروس عمومی معارف اسلامی را ضروری می دانند؟

بر اساس یافته های جدول، F مشاهده شده در خصوص میزان رضایت از محتوای دروس در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده، بنابراین بین نظرات دانشجویان دانشگاه های فوق در این خصوص تفاوت معنادار وجود ندارد. اما در خصوص میزان رضایت از گذراندن دروس در سطح $p \leq 0/01$ و در خصوص ضرورت وجود دروس در سطح $p \leq 0/01$ تفاوت معنادار وجود دارد. بدین معنا که دانشجویان دانشگاه های دولتی باهنر و پیام نور از گذراندن دروس معارف رضایت بیشتری داشتند

تا دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی. همچنین در خصوص ضرورت وجود دروس، دانشجویان دانشگاه آزاد، پیام نور و سپس باهنر به ترتیب اولویت بر ضرورت وجود دروس تاکید داشتند.

نمودار جدول (3): مقایسه میانگین نمرات نظرات دانشجویان در رابطه با محتوا و رضایت از گذراندن دروس و ضرورت وجود دروس عمومی معارف اسلامی با توجه به نوع دانشگاه



جدول (8): مقایسه میانگین نمره نظرات دانشجویان رشته‌های مختلف در خصوص محتوا و رضایت از گذراندن دروس و ضرورت وجود دروس با توجه به رشته تحصیلی

FP		فنی و مهندسی		علوم انسانی		علوم پایه		سوالات
		S	\bar{X}	S	\bar{X}	S	\bar{X}	
0/058	2/87	0/837	2/52	0/711	2/74	0/742	2/78	به چه میزان دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی رضایت دارند؟

0/000	2/30	1/66	2/69	0/907	2/96	1/16	3/98	به چه میزان دانشجویان از گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی رضایت دارند؟
0/000	7/35	1/30	3/75	0/680	3/89	2/24	2/01	به چه میزان دانشجویان دروس عمومی معارف اسلامی را ضروری می‌دانند؟

نتایج جدول نشان می‌دهد که F مشاهده شده در خصوص میزان رضایت از گذراندن دروس و ضرورت وجود دروس با توجه به گروههای آموزشی در سطح $p \leq 0/01$ معنی دار بوده، لذا بین نظرات دانشجویان گروههای مختلف تفاوت وجود دارد.

بدین معنا که در خصوص میزان رضایت از گذراندن دروس دانشجویان رشته های علوم پایه، علوم انسانی و سپس فنی مهندسی به ترتیب اولویت تاکید داشتند درحالی که در خصوص ضرورت وجود دروس عمومی معارف اسلامی دانشجویان رشته های علوم انسانی، فنی مهندسی و سپس علوم پایه تاکید بیشتری داشتند.

به علاوه در خصوص میزان رضایت از محتوای دروس معارف اسلامی، F مشاهده در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده، لذا بین نظرات دانشجویان هر سه گروه آموزشی تفاوت معنادار ندارد.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به سوال اول پژوهش نشان داد که متوسط نمره میزان رضایت دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی 2/67 با انحراف معیار 0/771 بوده است. مقایسه متوسط نمره پاسخها با میانگین فرضی (سه) که بر اساس آزمون t تک متغیره صورت گرفته است نشان داد t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای $p \leq 0/05$ کوچکتر بوده است.

بنابراین میزان رضایت دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی کمتر از سطح متوسط بوده است. بیشترین شاخص‌های مربوط به این مؤلفه در سطح زیاد و بسیار زیاد، از نظر دانشجویان به ترتیب «انطباق محتوا با اسناد و کتب معتبر اسلامی» با 44/2 درصد، «نگارش صحیح مطالب از نظر اصول ادبی و دستوری» با 30 درصد، و مفید و مؤثر بودن محتوا در زندگی روزمره» با 27/9 می‌باشد. اندکی تامل در میزان درصد نظرات مثبت دانشجویان می‌تواند برای مسئولین گروه‌های الهیات و معارف اسلامی هشدار دهنده باشد.

نتایج پژوهش حاضر با آنچه که موسی پیری (1374) در پژوهش خود پیرامون کیفیت محتوای آموزش درس جهان بینی اسلامی دوره دبیرستان به دست آورد همخوانی دارد. به علاوه از نتایج پژوهش حاضر فقدان ارتباط عمودی و پیوستگی لازم بین دروس معارف اسلامی در دوره دبیرستان و دانشگاه بوده است که با یافته‌های پژوهشی سلمان پور (1378) همخوانی دارد. البته مسأله لزوم برقراری ارتباط عمودی بین محتوای آموزشی دوره دبیرستان و دانشگاه چالشی است که وزارت آموزش و پرورش و وزارت تحقیقات، علوم و فناوری برای کلیه دروس با آن روبرو می‌باشند.

نکته دیگری که مورد توجه پاسخگویان قرار داشت لزوم تناسب محتوای آموزش دروس با نیازهای دانشجویان بود. این تاکید با نتایج پژوهش باهنر (1371) و امینی (1373) همخوانی دارد. در زمینه محتوای دروس، دانشجویان از گویه «انطباق محتوا با اسناد و کتب معتبر اسلامی» با 44/2 درصد بیشترین درصد رضایت را داشته‌اند که درصد بالایی نیست. در این مورد لازم است برنامه ریزان درسی دروس معارف اسلامی دقت بیشتری مبذول نمایند. بدین معنا که محتوای کتب

معارف اسلامی قبل از اینکه در کلاس درس توسط اساتید تدریس و بحث شود باید اولاً توسط مؤلفین کتب و مسئولین امر مورد بررسی عمیق قرار گیرد. بخصوص در مواردی که احادیث و آیات استفاده شده است با اصل منبع انطباق داده شده و غلط‌گیری شود.

چنانچه اخفش در این زمینه گفته است هر کتاب که با نسخه اصل و با نسخه مورد اعتماد مطابقت نشود و پس از آن از روی همان نسخه، نسخه دیگری تحریر شود و با نسخه اصل، مقابله و بر آن عرضه نگردد سرانجام به صورت کتابی گنگ و بی‌اعتبار در می‌آید (حجتی، 1364). در اصول کافی نقل شده است که جمیل بن دراج از قول امام صادق (ع) فرمود: حدیث و سخنان ما را صحیح تلفظ کنید و آن را معرب و با مشخصات املائی و شکل درست بنویسید و آنرا اعراب گذاری نمایید. از اینرو کتب معارف اسلامی باید با دقت و ظرافت خاصی تدوین شود به گونه‌ای که دانشجو از مفاهیم و معارف دینی تصورات صحیح و مستدل پیدا کند.

در زمینه محتوای دروس معارف اسلامی بر طبق نظر دانشجویان بعد از گویه «انطباق محتوا با اسناد و کتب معتبر اسلامی» گویه «نگارش صحیح مطالب از نظر اصول ادبی و دستوری» با 30 درصد بیشترین درصد رضایت را داشته‌اند.

این میزان رضایت به عنوان اکثریت دوم، حقیقتاً، تاسف‌آور است. در این زمینه لازم است میزان تراکم و ساختار متن و چگونگی اتصال موضوعات بر اساس سازماندهی منطقی و اصول ادبی و دستوری رعایت شود و در کاربرد صحیح لغات مورد استفاده در متن دقت لازم مبذول گردد. در این مورد باید سعی شود از لغات فارسی سلیس و روان در محتوای کتب استفاده گردد و از لغات عربی و دشوار و غیر قابل فهم که معمولاً در دروس معارف اسلامی به دلیل منابع عربی کاربرد زیاد دارد کمتر استفاده شده و جملات به صورت روشن و واضح بیان شود.

تحقیقات نشان داده است که متن‌هایی که از نظر اصول دستوری بهتر سازماندهی شده باشد و متن‌هایی که ساختار آن با استفاده از علامتهای مناسب برای خواننده بیان شده باشد، امکان فهمیدن، به خاطر سپاری و بکارگیری اطلاعات را افزایش می‌دهد (یار محمدیان، 1377). تعقید و مشکل‌گویی و عدم استفاده از زبان نوشتاری ساده و طرح برخی از مسایل بدون ذکر منبع می‌تواند بر محتوای دروس عمومی معارف اسلامی ضربه بزند. در این راستا باید از محققینی استفاده شود

که هم از زبان نوشتاری ساده برخوردار بوده و هم در طرح مباحث به صورت تدریجی و منطقی عمل می‌کنند استفاده شود. در ضمن بعد از هر درس، مأخذ و منابع را دقیقاً بیان کرده تا استاد و دانشجو بتواند با مراجعه به آن منابع برای تعمیق اطلاعات خود تلاش کند.

اگر چه دانشجویان در زمینه محتوای دروس از گویه «مفید و مؤثر بودن محتوا در زندگی روزمره» با 27/9 درصد بیشترین درصد رضایت را نسبت به سایر گویه‌ها داشته‌اند اما در واقع این میزان، درصد قابل قبولی نیست و نشانگر آن است که دانشجویان در برابر بسیاری از ارزش‌های اخلاقی که بوسیله محتوا و مواد درسی به آنان القاء می‌شود و آنچه بصورت واقعی در زندگی اجتماعی ملاحظه می‌گردد غالباً تناقضهایی احساس می‌کنند. عدم توانایی موسسات آموزشی در تبیین و توجیه این تناقضها موجب سرگشتگی و نا باوری دانشجویان نسبت به تعالیم اخلاقی دانشگاه می‌گردد.

قائمی (1360) در زمینه ضرورت این مطلب معتقد است که ایجاد رابطه بین دین و زندگی به گونه‌ای ملموس و قابل فهم و بیرون آوردن از حالت خشک و تشریفاتی که در آن نه فهمی باشد و نه برداشت مفیدی اصولاً امری ضروری می‌باشد. نویسنده آگاه و علاقمند به مخاطبین خویش سعی می‌کند با زندگی مخاطبین خود آشنا شده، محیط زیست آنان را شناخته و به نیازهای آنها پی‌برد. او با این شناخت خواهد توانست مهارتی را در خود تقویت کند که همواره درس را با زندگی روزمره فراگیران همگام و همسو ساخته و لذت یادگیری را به یاد گیرندگان بچشانند.

از نظر دانشجویان در زمینه محتوای دروس عمومی معارف اسلامی کمترین درصد رضایت از گویه «صراحت و وضوح مطالب به نحوی که براحتی قابل فهم باشد» اظهار شده است. از نظر مصباح و همکاران (1370) نویسنده در عرضه علم باید، با رعایت حال مخاطبان و توجه به نیازهای آنان شیوه‌های متناسب را اتخاذ نماید. البته به شرطی که جوهر معارف دین، فدای ابزار نگردد. بایستی تحولات کمی و کیفی در محتوای فعلی دروس صورت گیرد. همچنین باید از زیبایی کلام برای طرح حقایق دینی استفاده شود.

بی‌تردید یکی از شرایطی که در انتخاب و تهیه و تدوین مواد و محتوای برنامه‌های درسی باید مد نظر قرار گیرد توجه به شرایط دانشجویان است، به طوری که کتاب درسی در حد فهم و

درک آنان، تهیه و تدوین شده و از تعقید و مشکل گویی که متاسفانه امری رایج برای نشان دادن میزان علم و دانش نویسنده است پرهیز گردد. چنان که پیشوایان دینی (ع) هنگامی که می‌خواستند احکام و شرایع را به مردم آموزش دهند به اندازه فهمشان با آنان سخن می‌گفتند و مسایل دینی را به گونه‌ای که آنان به آسانی دریابند بیان می‌کردند. خداوند در قرآن می‌فرماید ما هیچ رسولی را جز به زبان قوم خود نفرستادیم تا برای آنان حقایق را تبیین کند (سوره ابراهیم، آیه 4).

همچنین در بحار الانوار جلد 1 از قول پیامبر (ص) آمده است که به ما پیامبران دستور داده شده است که با مردم، به اندازه عقل و فهم شان سخن بگوئیم. به علاوه علامه طباطبائی در سنن النبی از امام صادق (ع) روایتی را نقل کرده‌اند با این مضمون که رسول خدا (ص) هیچ گاه با مردم به حسب کنه و باطن عقل خویش سخن نگفت. بنابراین نویسنده، در مقام تربیت نخستین کاری که باید به انجام آن همت گمارد این است که در نوشته‌های خود چنان واضح و صریح بنویسد که مخاطبین به راحتی مطالب را دریابند. این امر مستلزم آن است که نویسنده سخن خود را از حد و مقام درک و فهم خود تا سطح درک و فهم مخاطب تنزل دهد.

تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به سوال دوم و سوم پژوهش نشان می‌دهد که متوسط نمره میزان رضایت دانشجویان از گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی، 3/17 و انحراف معیار 10/40 بوده است. به علاوه متوسط نمره میزان رضایت دانشجویان نسبت به ضرورت وجود دروس عمومی معارف اسلامی 3/29 و انحراف معیار 1/38 بوده است. مقایسه متوسط نمره پاسخها با میانگین فرضی (سه) که براساس آزمون t تک متغیره صورت گرفته است نشان داد t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای $p \leq 0/05$ بزرگتر بوده است.

بنابراین میزان رضایت دانشجویان از گذراندن و ضرورت دروس عمومی معارف اسلامی کمی بیشتر از سطح متوسط بوده است. همچنین براساس یافته‌های پژوهش در زمینه سوال پژوهشی دوم از نظر دانشجویان گویه «اخلاق و تربیت اسلامی» با 43/8 درصد و گویه «تاریخ اسلام» با 41/1 درصد و معارف اسلامی 1 با 35/1 درصد به ترتیب بیشترین درصد رضایت دانشجویان نسبت به گذراندن دروس عمومی معارف اسلامی را شامل می‌شود. همچنین از نظر دانشجویان نسبت به ضرورت وجود دروس عمومی معارف اسلامی به ترتیب بیشترین درصد مربوط به درس «اخلاق و

تربیت اسلامی» با 45 درصد «تاریخ اسلام» با 44/7 درصد و معارف اسلامی 1 با 41/6 درصد می‌باشد.

با توجه به نتایج پژوهش نکته جالب توجه آن است که اگرچه سطح رضایت دانشجویان از محتوای دروس عمومی معارف اسلامی کمتر از سطح متوسط بوده است اما سطح رضایت نسبت به گذراندن و ضرورت وجود دروس کمی بیشتر از سطح متوسط می‌باشد و نشانگر آن است که نسل دانشجو برخلاف تصور، آمادگی لازم برای دریافت حقایق دینی که نیاز فطری بشر است را دارا می‌باشد و در صورتی که مباحث دینی با شیوه‌های جدید و کارشناسی شده بر مدار نیازها و فهم و منطق وی باشد نتیجه مثمرتری به دنبال خواهد داشت. در این راستا کتاب درسی از سنتی ترین و عمده ترین رسانه های آموزشی است که از طریق آن برنامه های درسی به صورت کتبی ارائه می‌شود. بنابراین، توجه به چگونگی محتوای آن براساس اصول یادگیری، اصول سازماندهی محتوا و نیازهای مخاطبان ضروری است.

نتایج تحلیل سوال های پژوهشی مربوط به رضایت از گذراندن دروس و ضرورت آنها نشان می‌دهد که دانشجویان در هر دو سوال درس اخلاق و تربیت اسلامی را به عنوان اولویت اول انتخاب کرده اند، درسی که هدف آن، آشنایی دانشجویان با اصول تربیتی از دیدگاه اسلام و پرورش فضایل اخلاقی در آنان می‌باشد. مساله‌ای که از مهمترین اهداف والای رسالت پیامبران خدا بوده است تا انسان در مسیر کمال که علت غایی آفرینش است، قرار گیرد. پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) با اشاره به فلسفه بعثت خویش در حدیث معروف «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» بدان تصریح فرموده اند (مجمع البیان). اخلاق و تربیت اسلامی، با ویژگی خاص و بعد متعالی خود تضمین کننده سعادت انسانها در همه عصرها و ره توشه همه ره پویان راه کمال بوده و فراگیری علمی و تخلق عملی به آن، با شیوه منطقی و در چهارچوب برنامه های آموزشی و تربیتی، امری ضروری و لازم است. البته طرح مسایل تنها به صورت آموزشی و نظری کارساز نیست بلکه باید اساتید و مدرسین اخلاق و تعلیم و تربیت با حسن سلوک و پیاده کردن مسایل نظری در عمل و رفتار خویش الگوهای عینی برای دانشجویان باشند. در این صورت می‌توان شاهد تاثیر و تحول اخلاقی در دانشجویان بود.

درس دیگری که بعد از اخلاق و تربیت اسلامی از نظر دانشجویان اولویت دارد درس تاریخ اسلام می باشد که هدف آن آشنایی دانشجویان با چگونگی ظهور اسلام و نفوذ و گسترش آن تا پایان زندگی رسول خدا(ص) است. در این درس دانشجویان با تاریخ مربوط به دین خود آشنا می شوند. تاریخی که دارای چند مرحله بوده و دانستن مراحل آن از جمله نحوه ظهور اسلام در سرزمین عربستان، توسط پیامبر اکرم(ص)، مشکلات و مصایبی که ایشان برای دین نوپای اسلام تحمل کردند، شرح غزوات و جنگهایی که علیه مسلمانان به راه انداخته شد، نفوذ و گسترش دین اسلام و پیاده شدن احکام و دستورات خداوند توسط پیامبر(ص) و یاران صدیقش در سرزمین جهل و تعصب عربستان که بسیار دشوار بود نشان از تاریخی دارد که سراسر درس اینار و تلاش و سعه صدر پیامبر(ص) و یارانش دارد.

اگر این درس به نحو مطلوب چه از نظر محتوا و چه از نظر ارایه آن توسط مدرسین به دانشجویان انتقال یابد به نتایج تحلیلی عمیق تری از دین اسلام دست می یابیم. درس دیگری که از نظر دانشجویان اولویت دارد درس معارف اسلامی 1 می باشد که هدف آن آشنا ساختن دانشجویان با تفکر دینی و معارف اسلامی به شیوه برهانی - قرآنی با استفاده از منابع وحی می باشد. در این زمینه باید مطالب تحلیلی در زمینه معارف اسلامی و مسایل اعتقادی به شیوه نوین نگاشته شود. شکی نیست که اگر انشاء این کتابها دلنشین و خوشایند باشد بیشتر در ذهن خوانندگان اثر خواهد گذاشت.

مقایسه نظرات دانشجویان در خصوص سه سوال پژوهشی و با توجه به جنسیت، نوع دانشگاه و رشته تحصیلی در بخش یافته های پژوهش مطرح شد. در اینجا، نکته مهم آن است که همه دانشجویان اعم از دختر و پسر، همه رشته ها و هر سه نوع دانشگاه نسبت به محتوای آموزش دروس عمومی معارف اسلامی نظرات یکسان داشتند. این اتفاق نظر، پیامی است برای همه مسئولین مربوط تا نسبت به بازنگری در محتوای آموزشی دروس عمومی معارف اسلامی به طور جدی عمل نمایند.

در این زمینه لازم است از متخصصان برنامه ریزی درسی وابسته به دانشکده های علوم تربیتی و روانشناسی استفاده گردد. به طور کلی یافته های پژوهش نشان داد که میزان رضایت

دانشجویان از محتوای آموزشی دروس عمومی معارف اسلامی کمتر از سطح متوسط بوده است در حالی که رضایت آنان از گذراندن دروس و ضرورت وجود دروس بیشتر از سطح متوسط بوده است.

پیشنادهای کاربردی

Ø بازنگری محتوای آموزشی کتابها با استفاده از منابع متعدد و معتبر و سعی در بالا بردن استانداردهای علمی با استفاده از منابع متعدد پیرامون موضوع درس و به تناسب شرایط روز توصیه می‌گردد.

Ø پیشنهاد می‌گردد کتب درسی معارف اسلامی ساده نگاشته شده و از تعقید و مشکل‌گویی اجتناب شود.

Ø توصیه می‌شود کتب و محتوای دروس حجیم و مفصل نگاشته نشود و تا حد ممکن به صورت خلاصه و کامل در دسترس دانشجویان قرار گیرد

Ø ضرورت دارد محتوای کتابهای مربوط به دروس عمومی معارف اسلامی جذاب و در عین حال کارآمد و متناسب با نیازهای زندگی روزمره و مسایل اجتماعی نگاشته شود.

Ø انتخاب محتوا زیر نظر کمیته‌ای متشکل از متخصصان برنامه ریزی درسی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تکنولوژی آموزشی و اساتید مجرب و متخصص معارف اسلامی انجام شود تا تجارب علمی و جمعی جانشین تجارب شخصی گردد.

Ø کتب درسی مذکور، همواره و طی دوره‌های پنج ساله مورد تجدید نظر قرار بگیرد.

Ø توصیه می‌شود در تدوین کتاب دروس عمومی معارف اسلامی به اصل ارتباط عمودی و پیوستگی مطالب بین دوره دبیرستان و دانشگاه توجه گردد.

Ø پیشنهاد می‌گردد جهت ارتقا کیفیت آموزشی، ظرفیت کلاس‌های دروس عمومی معارف اسلامی کاهش یافته و نسبت استاد به دانشجو مشابه دیگر کلاس‌ها و استانداردهای وزارت تحقیقات، علوم و فناوری رعایت گردد.

○ ساختار سازمانی گروه‌های آموزشی معارف اسلامی اصلاح شده و امکانات مناسب با حجم کاری این گروه برای فعالیت آموزشی و تربیتی ارایه گردد.

نظر به تجربه مولفان مقاله حاضر، توصیه می‌شود که در تحقیقات بعدی دو محور عمده مورد ارزیابی قرار گیرد: اول تحلیل محتوای هر کدام از دروس عمومی معارف اسلامی صورت گیرد. انجام این کار و صرف بودجه در جهت انجام این گونه پژوهش‌ها می‌تواند نشانگر اهتمام مسئولین مربوط نسبت به ارتقا کیفی دروس باشد. دوم بررسی امکان مشارکت دانشجویان در تدوین برنامه درسی دروس مذکور. در ضمن توصیه می‌شود تحقیق حاضر در سطح کشور و به صورت ملی تکرار شود تا نتایج این پژوهش در سطح ملی نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

منابع

- 1- قرآن کریم.
 - 2- افوسی، محمد، تعلیم و تربیت دینی و پرورش‌های انسان معاصر، فصلنامه آموزشی و پژوهشی و تربیتی، شماره 13، ص 12، تهران، انتشارات تربیت، 1381.
 - 3- امینی، بررسی و انطباق محتوای کتاب درس بینش اسلامی مقطع متوسطه با نیازها و رغبت‌های دانش آموزان همپایه، 1373.
 - 4- ایزدی، جواد، تفکر خلاق و خلاقیت، رشد معلم، شماره 167، ص 24، تهران، انتشارات کمک آموزشی، 1381.
 - 5- باقری، خسرو، ضرورت هم فکری، هم زبانی و همدلی استاد و دانشجو، معارف، شماره 3، ص 5، تهران، نشریه معارف اسلامی، 1380.
 - 6- بلخاری، حسن، جهانی شدن و مساله اینترنت، معارف، شماره 3، تهران، نشریه معارف اسلامی، 1380.
 - 7- حجتی، محمدباقر، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1364.
 - 8- دانشگر، سعید، بررسی زمینه‌های آموزشی آسب‌پذیری تربیت دینی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، اصفهان، دانشگاه اصفهان، 1381.
 - 9- رفیعی، علی، نقش معلم، جزوه علوم تربیتی، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد، 1382.
- سلمان پور، (1378).

- 10- شرفی، محمدرضا، **با صاحب‌نظران**، معارف، شماره 7، ص 14، تهران، نشریه گروه معارف اسلامی، 1381.
- 11- طبرسی، ابوعلی‌الفضل بن‌الحسن، **مجمع البیان**، ترجمه و نگارش علی کرمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1380.
- 12- عاشوری تلوکی، نادعلی، **دروس معارف، مشکلات و مسایل پیش رو**، فرهنگ اصفهان، شماره 22، ص 4، اصفهان، انتشارات اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان، 1380.
- 13- قائمی، علی، **ویژگی‌های تربیت اسلامی**، پیوند، شماره 21، ص 6، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، 1360.
- 14- قورچیان، نادرقلی، **گامی در مسیر انتخاب محتوا در حوزه تخصصی برنامه درسی**، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره 42، ص 88، تهران، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، 1372.
- 15- کلینی، محمد بن یعقوب کلینی، **اصول کافی**، ج 1، ص 67، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، نشر اسوه، 1375.
- 17- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، **بحار الانوار**، ج 1، استخراج و تنظیم علی انصاریان، تصحیح مرتضی حاجعلی فرد، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، (1408، ق).
- 18- مصباح و همکاران، **خصیصه‌های معلم**، جزوه علوم تربیتی، ص 57، تهران، انتشارات گروه علوم تربیتی، 1370.
- 19- ملکی، حسن، **برنامه ریزی درسی راهنمای عمل**، تهران، نشر مدرسه، 1379.
- 20- ملکی، حسن، **مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه**، تهران، نشر سمت، 1370.
- 21- موسی پیری، عطاء...، **مطالعه میزان انطباق محتوای کتاب فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی با اهداف این درس از نظر دبیران دینی پایه سوم راهنمایی شهر تهران در سال تحصیلی 74-75**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران، 1374.
- 22- یارمحمدیان، محمدحسین، **اصول برنامه‌ریزی درسی**، تهران، نشر یادواره کتاب، 1377.